

حمد مقصود عالم و مولی الأُمم را لایق و سزااست ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۳۱۶

چاه

سر

حبیب روحانی جناب آقا محمد رضا علیه بهاء الله ملاحظه فرمایند

بسم ربنا الأقدس الأعظم العلیّ الأبهی

حمد مقصود عالم و مولی الأُمم را لایق و سزااست که اسرار مکنونۀ مخزونه را محض فضل ظاهر فرمود بیان را رونق جدید بخشید و کتاب را طراز بدیع کلمه اش عالم بیان را روح معانی داد و عالم الفاظ را نفوذ حقیقی قدرتش را قدرت عباد منع نمود و سطوت من فی البلاد از اراده اش باز نداشت بنفسه امرش را نصرت نمود صور معنوی کلمه اش بوده هم منصعق نمود و هم حیات بخشید و آگاهی داد صراط از او ظاهر میزان از او باهر در هر حرفی از حروفات بحر عرفان مستور و کوثر ایقان مکنون و این کوثر و بحر مخصوص اولیا بوده و هست یعنی نفوسی که شباهت و شئونات اهل عالم ایشان را منع نمود از کأس صبر نوشیدند هنگامی که سمّ بلا را چشیدند ایشانند مظاهر اضطبار و جواهر اخیار علیهم صلوة الله و عنایاته و رحمة الله و مواهبه

سبحانک یا مولیّ الأسماء و فاطر السّماء اسألك بأنوار عرشک و امواج بحر رحمتک و اشراقات نیر فضلک بأن تؤیّد اولیائک علی خدمة امرک و ذکرک و ثنائک بین عبادک ثمّ وفّقهم علی الحکمة الّتی نزّلتها فی زیرک و الواحک ثمّ اسألك یا مالک الوجود و مربیّ الغیب و الشّهود بأن تغفر من صعد الیک و رفّعته الی افقک الأعلى بقدرتک و قوتک و سلطانتک و لمنتسبیه ما یقرّبهم الیک أنّک انت المقتدر العزیز المختار لا اله الا انت الفرد الواحد العزیز الوهاب

و بعد نامۀ آن حبیب روحانی رسید در ایّامی که جناب جوان روحانی علیه بهاء الله الأبدی در سجن ساکن و در ظلّ موجود و مزین بود بذکر و ثنای مقصود عالمیان لذا عالم عالم سرور دست داد و بعد از مشاهده و اطلاع قصد افق اعلی نمود تلقاء وجه عرض شد هذا ما انزله المقصود فی الجواب قوله تبارک و تعالی

بسمی الذّاکر العلیم



قد حضر كتابك لدى المظلوم و عرضه العبد الحاضر وجدنا منه عرف حبك و خضوعك و خشوعك و اقبالك الى الأفق الأعلى و اصغائك حفيف سدره المنتهى و استقامتك على هذا الأمر الذى به زلت الأقدام انا انزلنا لكم من قبل ما نطق بفضلى و عنايتى و شهد برحمتى و عطائى كذلك قضى الأمر من قلم الله مالک الرقاب و كان فى كتابك ذكر من صعد الى افقى و توجه الى الفردوس الأعلى و الذروة العليا انزلنا له ما انجذبت به افئدة الأخيار يا قلبى الأعلى اذكر من سمى بأحمد الذى انقطع عن سوائى و اقبل الى افقى و حمل الشدائد فى سبيلى و سمع شماتة الأعداء لنفسى فى أيامى و قصد المقصد الأقصى و الأفق الأعلى و قطع السبيل للقاء الجليل و اصغاء المحبة و الدليل من لسان ربه العزيز الجليل الى ان ورد فى السجن و قام لدى الباب و سمع النداء بأذنه و رأى الأفق الأعلى بعينه نشهد انه فاز بما انزله الرحمن فى كتب القبل و بشر العباد به بالفضل و اخذ كأس اللقاء باسم مولى الورى و كوثر الوصال بأمره البديع طوبى له و نعيماً له و هنيئاً و مريئاً له انه حضر و فاز و سمع و اجاب انا طهرناه حين صعوده و غفرناه فضلاً من عندنا و نسأل الله ان ينزل عليه فى كل حين نعمة من عنده و رحمة من لدنه انه هو ارحم الراحمين و اكرم الأكرمين و هو الفضل القديم طوبى لمن زاره بما نطق به قلبى فى سجنى و جرى من لسان عنايتى انه من اهل هذا المقام الرفيع

يا محمد رضا عليك بهاء الله فاطر السماء قد ذكرنا اباك بما لا يعادله ذكر من الأذكار اشكر ربك بهذا الفضل الذى به انارت الآفاق انا نأمرک و الذين معک بالصبر الجميل و انا الصبار الحكيم لعمر الله لو يظهر ما قدر له اقل من سم الابرة لتطير الأرواح و تهتز الأجساد ان ربك هو الناطق فى المآب

بلسان پارسی بشنو الحمد لله فائز شد بآنچه که در کتب الهی از قبل و بعد مذکور و مسطور است شنید و دید آنچه را که از برای او از عدم بوجود آمد قبل از صعود و بعد بآثار قلم اعلی فائز گشت قد ذکره بذکر لویلقى علی التراب یهتز و یقول لک الحمد یا مولی الأسماء و لک الثناء یا فاطر السماء ترا وصیت مینمائیم بصبر و اصطبار و عمل خالص پاک چه که او در مقامی است که میشوند و می بینند هیچ امری از امور شما نزد او مستور نیست یسمع و یری ان ربه هو السميع البصیر دوستان آن ارض را مکرر ذکر نمودیم مخصوص در این ایام از برای هر مدینه و شهر و قریه نازل شد آنچه که عرفش قطع نشود و بافصح بیان اولیا را ذکر نماید طوبی للفائزین الحمد لله رب العالمین انتهى لله الحمد قبل از صعود بحضور فائز و بعد از صعود فائز شدند بآنچه که بقاء ملک و ملکوت باقی و دائم است و در حین نزول زیارت ملاً اعلی بهیئاً ناطق و بمرئاً ذاکر فی الحقیقه این ایام صعود است چه که فائز میشود انسان بآنچه که شبه و مثل نداشته و ندارد باری در هر حال حقایق الفضل و العطاء و زمام الذکر و الثناء در قبضه قدرت اوست انه هو الفرد الواحد المشفق الباذل الکرم لا اله الا هو العليم الحكيم

و اینکه مرقوم داشتند مدتهاست خبری از ساحت مقصود نرفته یک سنه قبل بل ازید که آن مرحوم بطراز حیات ظاهره مزین بود جواب نامه آن حبیب مکرم را این عبد نوشته ولكن نظر بظلم ظالمی که بر سریر حکومت این ارض ساکن در ارسال آن تأخیر رفت چه که آن ظالم هر یوم در صدد بوده و بعد از تغییر و تبدیل او آن نامه ارسال شد امید هست تا حال رسیده باشد الحمد لله در ساحت امنع اقدس مذکور بوده و هستید تأخیر جواب را حوادث ایام سبب بوده و هست چندی است در این ارض منکرین و معرضین بکلمات نالایقه ناطق اگر در ارسال تأخیر رفت ولكن حق جل جلاله را از اظهار امر هیچ شیئی از اشیاء نه از باسء و نه از ضراء و نه اعراض معرضین و نه انکار معتدین و نه سطوة ظالمین منع ننموده و نخواهد نمود ان ربنا و ربکم و مقصودنا و مقصودکم هو المقتدر القدير

در این حین نامه‌ئی که بحیب روحانی جناب آقا محمد علیه بهاء الله ارسال نمودند بساحت اقدس ارسال نمود و امام وجه بشرف اصغا فائز و از برای مرحوم مرفوع علیه بهاء الله و رحمته و فضله طلب آمرزش نمود و همچنین از برای منتسبین مرحوم ذکر بدیع مسئلت کرد مجدد هر یک بذکر مقصود عالمیان و عنایت و رحمتش فائز گشتند واحداً بعد واحد لدی الوجه مذکور این خادم فانی از حق میطلبد از برای کل خیر دنیا و آخرت را مقدر فرماید و اینکه مذکور نمودند رمس مطهر یعنی قبر را شکافتند لله الحمد بعد از صعود هم بر او وارد شد آنچه که ملأ اعلی بذکرش ناطق این اعمال شنیعه است که سبب محرومی عباد و نزول بلایا از قبل و بعد شده بعد از عرض این فقره در ساحت امنع اقدس اعلی فرمودند از این فقره محزون مباش قسم بآفتاب عدل که از افق سماء امر اشراق نموده آثار این عمل از دفتر عالم و صحف الله محو نخواهد شد مشرکین حضرت قدّوس را بعد از شهادت سوختند و نقطه اولی روح ما سواه فداه را بعد از ارتقاء روح من غیر کفن و ستر عمل نمودند آنچه که آثار شقاوت و قساوت آن نفوس بدوام ملک و ملکوت باقی و دائم است یا محمد رضا از ظلم فراعنه ارض و جبارۀ عصر ظاهر شده آنچه که اهل مدائن عدل و انصاف نوحه مینمایند جمیع بلایا که از اول امر تا حین باین مظلوم رسیده چون لله و فی سبیل الله بوده محبوب بوده و هست مجدد منتسبین را از جانب مظلوم ذکر نما و تسلی ده بگو اگر بلایای واردۀ بر نفس حق ذکر شود عالم وجود رجای عدم نماید ان ربکم هو الصبار و هو الستار و یا امر احبائه بالستر الجلیل و الصبر الجلیل منتسبین جناب محمد الذی فاز و طاف و یكون حاضراً لدی الوجه را از قبل مظلوم تکبیر برسان انا ذکرنا اباه من قبل بذکر جعله الله مالک الأذکار البهاء من لدنا علیکم و علی من تمسک بحبل الله ربّ الأرباب انتهی امواج بحر رحمت پی در پی بکمال اوج ظاهر طوبی از برای نفوسی که این ایام صعود نمودند چه که فائز شدند بآنچه شبه و مثل نداشته و ندارد باری این خادم کل را تکبیر میرساند و از برای هر یک تأیید می‌طلبد تا فائز شوند بآنچه که ذکرش در کتاب الهی مغلّد شود ان ربنا الرحمن هو العزيز الفضال السلام و الذکر و البهاء علی عباد الله الذین ما منعهم ضغائن الأشرار عن التوجه الى الله مالک الرقاب

خادم

۱۰ شوال ۱۳۰۴